

تکته

**اشتغال‌زایی؛ چالش دولت‌ها در دهه‌های اخیر**

ادامه از صفحه ۲

وی با بیان اینکه شرایط روز جهان دیگر مانند گذشته نیست که یک فرد با دارا بودن یک مهارت، دهه‌های متمادی بتواند معیشت خود و خانواده را تأمین کند، اشاره می‌کند: «امروزه ما با کاهش عمر فناوری در سطح جهان، شاهد کاهش عمر مهارت نیز هستیم و بازآموزی و بازسازی در این حوزه به عنوان یک ضرورت جهانی مطرح و کلید ورود به بازار کار و تلاش در راستای سیاست‌های اشتغال‌زایی دولت‌ها به شمار می‌رود.»

**ورود سرمایه به کشور در مسیر ایجاد اشتغال**

«محمد رضا عمادی» فعال بازار کار در گفت‌وگو با «آتیه‌نو» زمینه‌ساز ایجاد اشتغال در قالب‌های گسترده و بزرگ در کشور را ورود سرمایه به همراه سیاست‌های حوزه اشتغال دولت‌ها و بخش خصوصی معرفی کرده‌می‌گوید: «برای ایجاد اشتغال میلیونی - که با توجه به آمار بیکاری، نیاز امروز جامعه و اقتصاد است - طرح موضوع ایجاد اشتغال در سطح وسیع برای جبران خلاء بیکاری و نبود اشتغال در زمینه‌های مختلف، موضوع قابل تأمل و نیازمند سیاستگذاری است. البته زمینه در خصوص اشتغال‌زایی نیازمند تزریق سرمایه در قالب اجرای طرح‌های کلان اشتغال‌زایی دولتی و حمایت از بخش خصوصی در بحث ایجاد شغل است.»

**اشتغال میلیونی به شرط همراهی همه دستگاه‌ها**

«حمنا تلهو پور موسی» فعال و کارشناس حوزه کار در خصوص برنامه ایجاد اشتغال میلیونی دولت می‌گوید: «رسیدن به ایجاد اشتغال چند میلیون نفری امکان‌پذیر است؛ به شرط آنکه همه دستگاه‌های متولی پای کار بیایند، اشتغال را جدی بگیرند و با همدلی و همراهی برنامه‌های اشتغال را به نتیجه رسانند.» وی با عنوان اینکه اصلاح سیستم بانکی، اصلاح قانون مالیات‌ها و جلوگیری از واردات بی‌رویه کالا را در رونق تولید مؤثر است، تأکید می‌کند: «اگر این مسائل رعایت شود و تولید داخلی رونق گیرد، مشکل اشتغال در کشور نیز حل خواهد شد.»

**اشتغال میلیونی به همراه رشد اقتصادی**

«ناصر چمنی» فعال و کارشناس حوزه کار، اشتغال‌زایی را دارای مؤلفه‌های متعدد دانسته و اظهار می‌دارد که زمینه‌سازی اجرایی شدن این مؤلفه‌ها در راستای سیاست‌ها و برنامه‌های کلان بلندمدت ایجاد اشتغال در کشور، نیازمند توجه ویژه دولت به این مهم است. وی در ادامه اضافه می‌کند: «یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های مرتبط با اشتغال‌زایی، رشد اقتصادی است که البته باید این شاخص را بدون اثرگذاری مبادلات نفت باید در نظر گرفت؛ در غیر این صورت آمار درستی از این بخش در اختیار جامعه و برنامه‌ریزان اقتصادی قرار نمی‌گیرد.» وی با بیان اینکه رشد اقتصادی در شرایط مناسب، منجر به اشتغال‌زایی و پایداری شغل خواهد شد و زمانی می‌توان اشتغال‌زایی گسترده را مطرح کرد که رشد اقتصادی منتهای نفت را با نگاه به زمینه‌سازی این رشد در نظر داشته باشیم، تصریح کرد: «در حوزه اشتغال‌زایی با نگاه به شرایط واقعی و حقایق اقتصادی و توانمندی‌ها، باید واقع‌گرایانه عمل کنیم و از آرمانگرایی در این بخش بپرهیزیم.»

**گفت‌وگوی «آتیه‌نو» با زهرا رضایی طرهانی، شاعر، نویسنده و فعال اجتماعی****بازتاب معلولیت در هنر سینما و ادبیات**

گفت‌وگو

افراد دارای معلولیت به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت مدنی و یکی از اقشار اجتماعی درون یک کل از جامعه زیست می‌کنند و مانند سایر گروه‌های اجتماعی دارای حق و حقوق خاص خود هستند. متأسفانه همان گونه که بارها در مطالب و نقدهای متعدد و گوناگون به مسائل مربوط به این قشر پرداخته شده، نحوه نگرش و درک جامعه نسبت به این افراد با تبعیض و بی‌مهری فراوان همراه است که یکی از دلایل مهم وریشه‌ای این امر می‌تواند در هنر و رسانه جست‌وجو کرد. رسانه‌های جمعی به عنوان منبع اصلی ایجاد ارتباطات و تبادل اطلاعات در شکل‌گیری فرهنگ و نگرش عامه مردم در خصوص معلولیت نقش برجسته و پررنگی ایفا می‌کنند. بر همین اساس، بازنمایی تصاویر منفی و کلیشه‌ای از افراد دارای نقص عضو در انواع رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های بصری، نقش مخربی در بازنمایی واقعی معلولیت و جهت‌گیری اذهان عمومی نسبت به این مسأله اجتماعی داشته است.

هدف قرار می‌دهند. تصویرسازی معلولیت در سینما و ادبیات با صحنه گذاشتن بر باورهای خرافی و بی‌اساس که نقص عضو را نتیجه گناه فرد یا والدین او، مجازات طبیعت یا عذاب الهی قلمداد کرده‌اند و رابزرگ‌ترین فاجعه زندگی بشر می‌انگارند. هراس و واکنش عمیقی پیرامون مفهوم معلولیت از سوی هنرمندان و فیلمسازان به جامعه القا می‌کند که همین امر این اقلیت را بیش از پیش به حاشیه رانده و در انزوای فرومی‌برد. باید در نظر داشت در بسیاری از آثار هنری تغییر نگاه نسبت به مقوله نقص عضو از گذشته تاکنون پیوسته با نوعی استعاره همراه بوده که معلولیت را به مثابه بلایی که فرد مستحق تحمل آن است به نمایش می‌گذارد که نمونه آن را می‌توان در فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» به وضوح لمس کرد. گاهی نیز همه آثار داغ‌نگ از چهره معلولیت زوده‌شده و کاراکترهای دارای معلولیت به شکلی بسیار افراطی و اغراق‌آمیز در هیأت افرادی فرشته‌خو، قهرمان، دارای هوش و نیروی فوق‌انسانی، الهام‌بخش دیگران، مایه خیر و برکت و در نهایت به عنوان یک سوپر معلول ظاهر می‌شوند (این رویکرد در آثار ایرانی نیز به وفور دیده می‌شود)، لذا اغراق نیست اگر بگوییم ما با فقدان نگاهی عادی به مقوله نقص عضو در هنر سینما و ادبیات مواجه هستیم که تا حدود زیادی از حقیقت تجربه زیسته توأم با معلولیت و شایستگی‌های این قشر تهی است.

**ادبیات و معلولیت**

اما جایگاه معلولیت در شعر و ادب فارسی چگونه است؟ این شاعر اظهار می‌دارد: «افراد دارای نقص عضو قشر بزرگی از جامعه هستند اما آنچنان که باید دیده نمی‌شوند. متون ادبی، شعر، داستان تصاویر کلیشه‌ای از این افراد دارد که آن‌ها را ناتوان جلوه می‌دهد. اگر چه ما شاعری مانند

**سینما و معلولیت**

سینما به عنوان یکی از منابع بزرگ و پرطرفدار اطلاعات در خصوص معلولیت برای میلیون‌ها نفر از مخاطبان عمل می‌کند. به عبارت دیگر، بازنمایی نقص عضو و معلولیت در سینما نقشی اساسی و انکارناشدنی در انعکاس معلولیت و چگونگی موقعیت این اقلیت بزرگ در جامعه و درک و آگاهی مردم نسبت به این مسأله دارد. این نویسنده در ادامه گفته‌هایش خاطر نشان می‌کند: «در برخی از آثار سینمایی ایران سعی بر ایجاد این ارتباط شده است؛ فیلم‌هایی مانند گل‌های داوودی، حوض نقاشی، بید مجنون، میم مثل مادر و بچه‌های ابدی نمونه‌هایی از این آثار هستند که در بیشتر آن‌ها باز یگر نقش فرد دارای معلولیت را ایفا می‌کند، اما حضور فرد دارای معلولیت در نقش تعریف شده مؤثر تر به نظر می‌رسد؛ مانند فیلم رنگ خدا». رضایی طرهانی در همین راستا بیان می‌کند: «در سال ۱۹۹۶ کارگردانی بلژیکی به نام «دورمل» فیلمی با نام «روز هشتم» ساخت که باز یگر نقش اول آن، پاسکال، فرد مبتلا به سندرم داون بود. این فیلم برنده نخل طلایی جشنواره کن شد و بارها به صورت برنامه تلویزیونی پخش شد و اثر عمیقی در نگاه مردم بر جای گذاشت.» علاوه بر موارد فوق باید اذعان داشت در مرور بیشتر آثار هنری بخصوص سینما و ادبیات (از آثار کلاسیک گرفته تا معاصر)، درمی‌یابیم که بازنمایی نقص عضو اغلب به نوعی با نشان شر و بدی، خبث طینت و یا با انفعال و دروژی همراه بوده است؛ حتی در آثار کلاسیک کودکان نیز عرضه جسمانی یک ویژگی کلیشه‌ای است که به عنوان نشان جادوگرها یا پیشگویان بدجنس به کرات مشاهده می‌شود؛ هر چند ما آثار نظیر «گوشت نتردام» یا «مردی که می‌خندد» را نیز در زمره آثار مشهور هنری می‌بینیم که دیدگاهی متفاوت‌تر به این موضوع داشته و بیشتر حس ترحم و دلسوزی مخاطب را

**هنر و معلولیت**

زهرا رضایی طرهانی، فعال اجتماعی می‌گوید: «افراد دارای نقص عضو به افرادی اطلاق می‌شود که بخشی از بدن‌شان به صورت طبیعی و مادرزادی یا بر اثر یک حادثه و رخداد آسیب دیده و دچار نقص شده است. این افراد، جزئی از جامعه هستند و نبایست ارتباط‌شان با جامعه گسسته شود. ایجاد ارتباط با این قشر گاهی از عهده فردی خارج و نیازمند تدابیری با خرد جمعی و حمایت دولت است که همگام‌سازی با هم برای اجرای سیستم (CBR) یا توانبخشی مبتنی بر جامعه که حتی قوانین اجرایی‌اش در سازمان بهداشت جهانی مصوب شده است، ضرورت دارد.» وی ادامه می‌دهد: «توانبخشی مبتنی بر جامعه یا CBR (Community Based Rehabilitation) در سال ۱۹۷۵ توسط سازمان بهداشت جهانی آغاز شد که از آن به عنوان یک استراتژی برای بهبود و دسترسی به خدمات توانبخشی با استفاده بهینه از منابع محلی مطرح شد؛ یک استراتژی چندبخشی برای رفع نیازمندی‌های گسترده افراد دارای نقص عضو، تضمین مشارکت، الحاق و پیوند آن‌ها به جامعه و بالا بردن کیفیت زندگی‌شان در جهت تکامل بیشتر که با راهبردی دولت همگی مبتنی بر جامعه باشد.» رضایی طرهانی با توضیح اینکه هنر یک ابزار الهام‌بخش در زندگی اجتماعی است که با مساوی‌سازی فرصت‌ها برای حضور در جامعه در چهار محور مدل اخلاقی، تراژدی شخصی، مدل پزشکی و مدل اجتماعی (به تعریف پزشکان و متخصصان) بسیار اثرگذار خواهد شد، بیان می‌کند: «ارتباط هنر با افراد دارای نقص عضو به خودکشفی، تحریک هیجانات و رضایت‌مندی آنان کمک می‌کند که در نهایت برای رسیدن به اعتمادبه‌نفس و حس ارزشمند بودن و ورود به عرصه‌های مختلف جامعه‌پاداشی محسوس می‌دهد.»



ایرن واعظ‌زاده

روزنامه نگار

**افراد دارای نقص عضو قشر بزرگی از جامعه هستند اما آنچنان که باید دیده نمی‌شوند. متون ادبی، شعر، داستان تصاویر کلیشه‌ای از این افراد دارد که آن‌ها را ناتوان جلوه می‌دهد**

مدیر کل امور مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی مطرح کرد

**عدم کاهش سهم مستمری دختران از حقوق بازنشستگی پدر**

گزارش

مدیر کل امور مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی گفت: «سهم مستمری پرداختی فرزندان اناث از حقوق بازنشستگی پدر در قانون تأمین اجتماعی کاهش نیافته است.» ناهید حیدری افزود: «در ماده (۸۳) قانون تأمین اجتماعی، قانونگذار برای هر یک از بازماندگان واجد شرایط بیمه‌شده با مستمری‌بگیر متوفی به جهت مشخص شدن میزان مستمری مربوطه، سهام تعیین کرده است. بر این اساس، همسر بیمه شده متوفی ۵۰ درصد و هر یک از فرزندان واجد شرایط (اعم از دختر و پسر) از ۲۵ درصد مزایای مستمری مربوطه بر خوردار و در صورتی که پدر و مادر را از دست داده باشند، میزان مستمری آنان دو برابر خواهد شد. همچنین سهم هر یک از والدین تحت تکفل بیمه شده متوفی معادل ۲۰ درصد میزان مستمری مربوطه است و در هر حال بازماندگان بیمه شده از ۱۰۰ درصد مستمری بازماندگان متوفی

استفاده خواهند کرد.» وی با ذکر مثالی به تشریح این موضوع پرداخت و گفت: «فرض کنید بازنشسته‌ای ۶ میلیون تومان مستمری دریافت می‌کند و دارای یک همسر و دو فرزند واجد شرایط قانونی است. در صورت فوت بازنشسته مذکور ۵۰ درصد سهم مستمری مربوطه (مبلغ ۳ میلیون تومان) به همسر و ۲۵ درصد سهم مستمری مذکور به هر یک از فرزندان واجد شرایط (هر یک به مبلغ یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان) پرداخت خواهد شد. چنانچه بازنشسته مذکور صرفاً دارای یک فرزند اناث واجد شرایط به منظور بهره‌مندی از مزایای مستمری مربوطه باشد، عین مبلغ مستمری حین فوت (۶ میلیون تومان) به آنها پرداخت می‌شود. بنابراین بازماندگان واجد شرایط صرف‌نظر از سهام مذکور در هر حال از ۱۰۰ درصد مستمری مربوطه بهره‌مند خواهند شد و هیچ‌گونه کاهشی در پرداختی سهم فرزندان اناث

از مستمری مربوطه به واسطه فوت والدین ایجاد نشده و بحث کاهش سهم دختران از حقوق بازنشستگی پدر متوفی، اساساً صحیح نیست.» حیدری خاطر نشان کرد: «مطابق ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی بازماندگان واجد شرایط بیمه شده متوفی در یکی از حالات زیر استحقاق دریافت مستمری بازماندگان را خواهند داشت:

- ۱- در صورت فوت بیمه‌شده بازنشسته (بند «۱» ماده (۸۰) قانون).
- ۲- در صورت فوت بیمه‌شده از کار افتاده کلی مستمری‌بگیر (بند «۲» ماده (۸۰) قانون).
- ۳- در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که در ۱۰ سال آخر حیات خود حداقل حق بیمه یک سال کار، مشروط بر اینکه ظرف آخرین سال حیات حق بیمه ۹۰ روز کار را پرداخت کرده باشد (اصلاحیه بند «۲» ماده (۸۰) قانون).

۳-۱- چنانچه بیمه شده فاقد شرایط مقرر در این بند باشد ولی حداقل ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه را قبل از فوت پرداخت کرده باشد (تبصره «۲» اصلاحیه بند «۳» ماده (۸۰) قانون).

۲-۲- در صورتی که بیمه شده متوفی فاقد شرایط مقرر در این بند بوده، لکن دارای سابقه پرداخت حق بیمه بین ۱۰ تا ۲۰ سال باشد (تبصره «۳» اصلاحیه بند «۳» ماده (۸۰) قانون).

۳-۳- در صورتی که بیمه شده متوفی فاقد شرایط مقرر در این بند بوده، لکن دارای سابقه پرداخت حق بیمه بین یک تا ۱۰ سال باشد (قانون تعیین تکلیف تأمین اجتماعی اشخاصی که ۱۰ سال و کمتر حق بیمه پرداخت کرده‌اند).

۴- در مواردی که بیمه شده در اثر حادثه ناشی از کار یا بیماری‌های حرفه‌ای فوت کند (بند «۴» ماده (۸۰) قانون).